

### متن پرسش

سلام بر استاد طاهرزاده: در برخی سوالات در مورد نگاه عرفا به عالم مادی که منطبق بر هیئت قدیم است پرسیده شده است و شما سعی بر ارائه توجیهاتی چون وجه قدسی و... دارید لکن چه دلیلی دارد که وجه قدسی عالم دقیقاً منطبق بر هیئت قدیم باشد و مثلاً فلک چهارم قدسی عرفانی اتفاقاً شمس باشد که در هیئت قدیم مطرح شده است. واقعیت اینست که ما به کتب عرفا همچون مصباح که مراجعه می‌کنیم واقعا در مباحثی که در مورد عالم ماده دارند سعی بر تبیین مادی آن را دارند نه اینکه بخواهند وجه قدسی را مطرح کنند و بنظر می‌رسد که اگر کشف عرفا مساعد هیئت قدیم باشد (و دلیلی ندارد که عرفا نتوانند امور تجربی مادی را کشف نکنند) و مطالب علوم جدید که به اعتراف خود غربی‌ها و فیلسوفان علمشان یقینی نیست و فرضیاتیست که در عمل بهتر بکار می‌آید چه دلیلی دارد که ما آنقدر غرب زده باشیم که مکاشفات یقینی عارفان را فدای این قبیل مشهورات غربی کنیم در یکی از سایت‌ها مطلبی دیدم در مورد محمد علی حکیم: آقای صدوقی سُها نوشته است: «... دیدم و شنیدم که مرحوم دکتر مهدی حمیدی شیرازی...، گاهی به خنده فراوان خطاب به مولانا [= حکیم شیرازی] گفت که: آقای حکیم! آپولو هم که به فضا رفت! و آنانی که می‌دانستند که مولانا با فلکیات قدیم سخت پایبند است - و البته شخص شخیص مرحوم دکتر حمیدی نیز از آن زمره می‌بود - به خنده اندر آمدند و چنین شنیدند از آن بزرگوار [=حکیم شیرازی] که: ها! شیره سرتان می‌ماند! دختر شاه پریان نشانتان می‌دهند!» پایان نقل قول. اگر به این نقل دقت شود بخوبی مشخص است که نگاه عارف بصیری چون جناب حکیم به عالم بطلمیوسیست نه این که صرفاً نگاه قدسیشان به عالم ماده اینگونه باشد و حال که پس از دهه‌ها تشکیک‌هایی که در سفر به ماه می‌شود و بعضاً آن را مجعول می‌دانند را مشاهده می‌کنیم به بصیرت ایشان پی می‌بریم گرچه آن زمان به ایشان می‌خندیدند و شما اگر به کتاب زیر رجوع فرمایید که در مورد مسطح بودن زمین است می‌بینید که لااقل در کنار نظرات رایج علوم غربی بدیل‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند مورد التفات قرار گیرد.

[https://s17.picofile.com/file/۸۴۱۳۹۵۶۱۰۰/%D۹%BE%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۹%۸۶%D۸%AF%D۹%۸۷\\_۱۱۱\\_%D۸%AY%D۸%A۸%D۸%B۹%D۸%AY%D۸%AF\\_%D۹%۸۸\\_%D۹%۸۵%D۹%۸۲%DB%۸C%D۸%AY%D۸%B۳\\_%D۹%۸۷%D۸%AY%DB%۸C\\_%D۹%۸۸%D۸%AY%D۹%۸۲%D۸%B۹%DB%۸C\\_%D۸%B۲%D۹%۸۵%DB%۸C%D۹%۸۶\\_%D۸%B۲%D۹%۸۵%DB%۸C%D۹%۸۶\\_%D۹%۸۵%D۸%B۳%D۸%BY%D۸%AD\\_.pdf.html](https://s17.picofile.com/file/۸۴۱۳۹۵۶۱۰۰/%D۹%BE%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۹%۸۶%D۸%AF%D۹%۸۷_۱۱۱_%D۸%AY%D۸%A۸%D۸%B۹%D۸%AY%D۸%AF_%D۹%۸۸_%D۹%۸۵%D۹%۸۲%DB%۸C%D۸%AY%D۸%B۳_%D۹%۸۷%D۸%AY%DB%۸C_%D۹%۸۸%D۸%AY%D۹%۸۲%D۸%B۹%DB%۸C_%D۸%B۲%D۹%۸۵%DB%۸C%D۹%۸۶_%D۸%B۲%D۹%۸۵%DB%۸C%D۹%۸۶_%D۹%۸۵%D۸%B۳%D۸%BY%D۸%AD_.pdf.html)

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر به آیهی «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» فکر کنیم با توجه به این که برای زمین هم مانند آسمان هفت مرتبه قائل شده، می فهمیم قضیهی هفت آسمان ربطی به علم هیئت بطلمیوسی ندارد. مثلاً ما در روایت داریم رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در سفر معراجی، حضرت عیسی «علیه السلام» را در آسمان چهارم زیارت کردند. پس همان طور که هفت آسمان، هفت مقام طولی به سوی حقیقت است، هفت زمین نیز، هفت سقوط طولی به سوی رذالت می باشد. موفق باشید